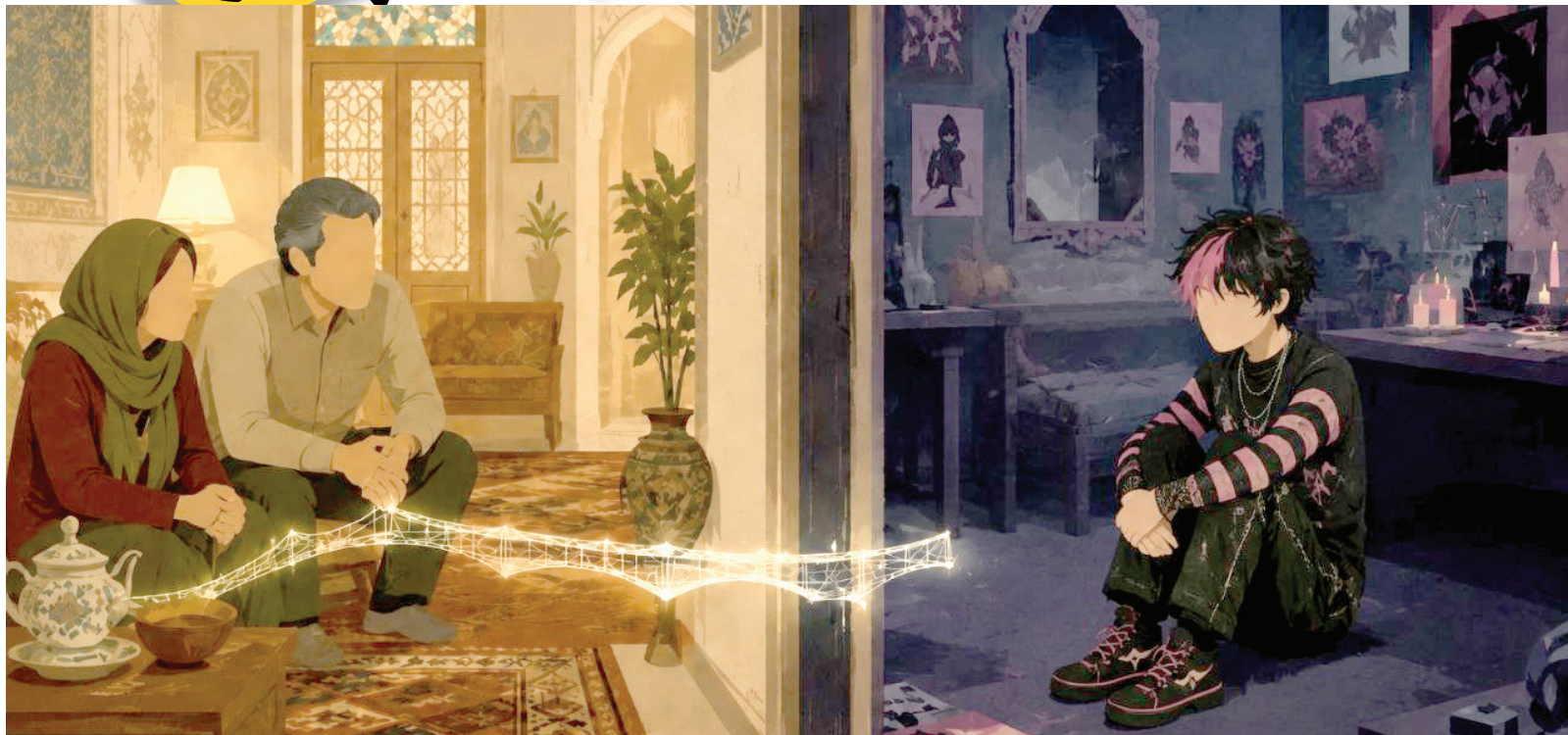




تماشای جهان از دریچه نوجوان

شواهد زیادی نشان می‌دهد در کشور ما برخلاف نقاط مختلف دنیا، این تیپ فقط بین عده‌ای از نوجوانان رایج است و آن‌ها هم زود از آن عبور می‌کنند. برای فهم چرایی این عبور نباید فقط به فشار خانواده یا واکنش جامعه نگاه کرد؛ بخشی از پاسخ را می‌توان در خود فرهنگ ایرانی جست‌وجو کرد. فرهنگ ما، حتی برای نوجوانی که هنوز به شکل جدی درباره آن مطالعه نکرده، سرشار از تصویر، رنگ، نور، ظرافت و تناسب است. معماری خانه‌ها، کاشی کاری مسجدها، شیشه‌های رنگی ارسی‌ها، باغ‌های ایرانی، نقش فرش‌ها و حتی ترکیب نور و سایه در فضاهای سنتی، نوعی زیبایی‌شناسی چندلایه را پیش چشم فرد می‌گذارد. ادبیات فارسی هم همین تجربه را در سطحی دیگر تکرار می‌کند. در نهایت فرد کنجکاو، به‌مرور و از مسیر تجربه‌های مختلف فرهنگی، با جهان متنوع‌تری روبه‌رو می‌شود؛ جهانی که در آن رنگ‌های دیگر، فرم‌های دیگر و شیوه‌های پیچیده‌تری برای بیان خود وجود دارد.

است، اما کمتر پیش می‌آید همین شمایل را به‌همان شدت در بزرگسالان ببینیم. البته نمی‌توان برای همه نوجوانان یک مسیر قطعی ترسیم کرد و نباید گفت هر کس حتماً از این سبک عبور می‌کند. باین حال، در بیشتر موارد، رشد اجتماعی و گسترش تجربه‌های فرهنگی، این ظاهر را از یک هویت کامل به بخشی از خاطر و سلیقه نوجوانی تبدیل می‌کند.



● **گات‌بودن به‌مثابه یک مرحله**
به‌همین دلیل، گات‌استایل در ایران اغلب برای نوجوان بخشی از مسیر تجربه هویت است، نه مقصد نهایی آن. نوجوان با این ظاهر، نقشی تازه را امتحان می‌کند، واکنش دیگران را می‌سنجد و برای مدتی خود را در قالبی متفاوت می‌بیند. اما هم‌زمان که دایره تجربه‌های او گسترده‌تر می‌شود، ممکن است نیازش به این نمایش هم کاهش پیدا کند. دوستی‌های تازه، ورود به محیط‌های اجتماعی متفاوت، آشنایی با موسیقی و سینمای متنوع، موفقیت و شکست، تحصیل، کار و استقلال، به‌تدریج تصویر او از خودش را پیچیده‌تر می‌کند. در این مرحله، نوجوان ممکن است همچنان به رنگ‌های تیره علاقه داشته باشد، اما دیگر برای دیده شدن به نشانه‌های اغراق‌شده نیاز نداشته باشد.

● **چرا این ظاهر تابزرگسالی ادامه پیدا نمی‌کند؟**
بزرگسال، معمولاً امکان‌های بیشتری برای تعریف خود دارد و می‌تواند تفاوتش را از مسیر انتخاب‌های شغلی، فکری، هنری، روابط اجتماعی و سبک زندگی نشان دهد. به‌همین دلیل، دیدن یک نوجوان با این ظاهر برای جامعه ایرانی پدیده‌ای تازه و چشمگیر

نکته طلایی برای خانواده: دوست بمانید

آسیب، مانند خودآزاری، افکار مرگ، خشونت یا افت شدید عملکرد، نیاز به مداخله فوری را نشان دهد. در ضمن برای گشودن مسیرهای تازه، هنر می‌تواند بهتر از دستور و نصیحت عمل کند. تماشای فیلم، شنیدن موسیقی‌های متنوع، دیدن موزه، خواندن شعر و گفت‌وگو درباره رنگ و... به نوجوان امکان می‌دهد جهان خود را گسترده‌تر کند، هدف، بیرون کشیدن او از یک سبک نیست؛ هدف، نشان دادن این است که برای بیان تفاوت و احساساتش، انتخاب‌های بیشتری هم وجود دارد. در نهایت باید فرزند شما از دست نرفته است. او ممکن است در دوره‌ای گذار، در حال آزمودن یک نقش و ساختن تصویری تازه از خودش باشد. وظیفه اصلی والدین در این مرحله، حذف فوری ظاهر نیست؛ نگهداری از پل ارتباطی است. اگر این پل باقی بماند، خانواده می‌تواند هنگام شکل‌گیری هر مشکل واقعی، زودتر آن را ببیند و در کنار نوجوان بماند. ظاهر ممکن است تغییر کند، اما اعتمادی که در این دوره ساخته می‌شود یا از بین می‌رود، اثرش می‌تواند سال‌ها باقی بماند.



گات، مُدی گذرا یا خیزشی نگران‌کننده؟

چند وقتی است در کوچه و خیابان نوجوانانی با چهره رنگ پریده، لباس‌های تیره و مدل موی عجیب می‌بینیم؛ ظاهری که باعث نگرانی والدین می‌شود؛ به تازگی هم کلیپی از آن‌ها پر باز دید شد؛ اما و رای بر چسب‌های سطحی مثل شیطان پرستی، پشت این انتخاب چیست؟

سید مصطفی صابری | روزنامه‌نگار



چند روز قبل ویدئویی پخش شد که در آن چند نوجوان با صورت‌های رنگ پریده، لب‌های سیاه و لباس‌هایی که گویی از دنیای فیلم‌های آخرالزمانی بیرون آمده، مقابل دوربین گوشی قرار گرفتند. به محض انتشار این ویدئو در فضای مجازی، موجی از واکنش‌ها به راه افتاد؛ از ترس‌های ناخودآگاه والدین تا انگ‌هایی مثل شیطان پرستی. اما بیایید لحظه‌ای توقف کنیم و از پشت ویرین این تیپ‌های سیاه، به حقیقتی عمیق‌تر بنگریم. برای نوجوانی ایرانی که در دوران گذر از کودکی به بزرگسالی، در جست‌وجوی هویت مستقل خود است، انتخاب این ظاهر عجیب، پیش از آن که یک بیانیه‌اید نولوژیک یا شورش علیه هنجارهای اجتماعی باشد، یک فریاد خاموش برای «دیده شدن» است. این ویدئوها و این سبک پوشش، فراتر از یک مُد گذر، نقابی است که نوجوان بر چهره می‌زند تا با فاصله گرفتن از دنیای بزرگسالان، قلمرو خودش را بسازد. جامعه این ظاهر را تهدید می‌بیند و با برچسب‌های تند و تیز سعی در طرد یا تنظیم آن دارد؛ غافل از این که همین رفتارها، دقیقاً همان چیزی است که نوجوان سرگشته را بیشتر در این باتلاق خودساخته فرومی‌برد. پرونده پیش‌رو، دعوتی است برای عبور از بررسی سطحی این ظاهر و ورود به دنیای ذهنی نوجوانی که شاید تنها چیزی که می‌خواهد، شنیده شدن صدای درونی‌اش است؛ نه قضاوت ظاهری‌اش. با ذکر این نکته که قطعاً نمی‌خواهیم این سبک پوشش را تایید کنیم، بلکه می‌خواهیم بدانیم چرا نوجوان ما برای نمایش خود، به دل این سبک دارک پناه می‌برد و انتخابش را چگونه باید تحلیل کنیم؟

ژست بصری یا خُرده فرهنگ جهانی؟

اگر از ظاهر گات‌استایل فاصله بگیریم و به زمینه اجتماعی شکل‌گیری آن نگاه کنیم، در ایران بیشتر با یک ژست بصری «روبه‌رو می‌شویم تا یک سبک زندگی کامل به مثابه منظومه فکری و رفتاری. بسیاری از نوجوانانی که لباس‌های تیره می‌پوشند، صورت خود را رنگ پریده نشان می‌دهند، موهایشان را به شکل متفاوتی درست می‌کنند یا از اکسسوری‌های خشن و نامتعارف استفاده می‌کنند، لزوماً درباره گات مطالعه نکرده‌اند و خود را عضوی از یک خرده‌فرهنگ منسجم جهانی نمی‌دانند. آن‌ها بیشتر تصویرری

دام تلخ برچسب‌زنی و پیامدهایش

این که والدین با دیدن چهره رنگ پریده، لباس‌های کاملاً تیره، آرایش سنگین یا اکسسوری‌هایی با نشانه‌های خشن نگران شوند، واکنشی طبیعی است. این ظاهر، با تصویر آشنایی که بسیاری از خانواده‌های ایرانی از نوجوانی، شادابی و سلامت دارند، فاصله زیادی دارد. در زیبایی‌شناسی رایج ایرانی، رنگ‌های روشن، چهره طبیعی، آراستگی متعارف و پوشش هماهنگ با جمع، معمولاً نشانه نظم و سلامت تلقی می‌شود. بنابراین، وقتی نوجوان آگاهانه از این الگوها فاصله می‌گیرد، خانواده ممکن است تصور کند این تغییر فقط به لباس و آرایش محدود نیست و از یک بحران عمیق‌تر خبر می‌دهد.



● **چه وقتی تغییر ظاهر گویای اختلاف است؟**
این نگرانی را نمی‌توان یک سره بی‌مورد دانست. ظاهر، گاهی نخستین نشانه تغییراتی است که نوجوان هنوز توان یا تمایل بیان کردن‌شان را ندارد. افت ناگهانی عملکرد تحصیلی، قطع ارتباط با دوستان قدیمی، انزوا، اختلال خواب، تحریک‌پذیری شدید، بی‌میلی به فعالیت‌های روزمره یا حرف‌زدن مکرر درباره بی‌معنایی زندگی، در کنار تغییر ظاهر، نیازمند توجه جدی و کمک گرفتن از یک متخصص با رضایت و مشارکت خود نوجوان است. اما اگر تنها نشانه موجود، انتخاب لباس تیره یا آرایش متفاوت باشد، هنوز نمی‌توان از آن، وجود اختلال روانی یا گرایش خطرناک را نتیجه گرفت.

● **سیاهی همیشه نشانه آسیب نیست**
باید میان خودسبک‌پوشش و آسیب‌های احتمالی همراه با آن تفاوت گذاشت. انتخاب رنگ تیره، به‌خودی‌خود نشانه بحران ذهنی نوجوان نیست. ممکن است نوجوان از طریق این رنگ‌ها احساس کند ظاهرش با روحیه، سلیقه یا تصویری که از

قرار دادن آن در یک دسته شناخته‌شده، اضطراب را موقتاً کاهش می‌دهد. برچسب‌هایی مثل شیطان پرستی، انحراف یا بی‌قیدی، به والدین این احساس را می‌دهد که برای رفتار نوجوان توضیحی پیدا کرده‌اند. اما این توضیح، در بسیاری از موارد، بیشتر از آن که واقعیت را روشن کند، راه گفت‌وگو را می‌بندد. نوجوانی که برای جلب توجه یا اعلام استقلال، لباس متفاوتی پوشیده است، با شنیدن چنین اتهامی ممکن است احساس کند خانواده نه فقط انتخابش، بلکه شخصیتش را رد کرده است. در این شرایط، دفاع از ظاهر می‌تواند به دفاع از خودتبدیل شود. او ممکن است برای اثبات این که دیگران درباره‌اش اشتباه می‌کنند، آگاهانه نشانه‌های آن سبک را پررنگ‌تر کند، ارتباطش را با گروه همسالان مشابه افزایش دهد و از خانواده فاصله بگیرد.

● وقتی برچسب در دسر می‌سازد

وقتی می‌خواهیم سریع برچسب بزنی‌م و به نوجوان بگوییم ظاهرش شبیه فلان گروه... شده یا دامن باشد و واکنش اطرافیان و جامعه به یک رفتار، گاهی از خود رفتار اثر گذارتر می‌شود. فردی که به‌طور مداوم با عنوانی خاص شناخته می‌شود، ممکن است به‌تدریج آن عنوان را بخشی از هویت خود بداند و رفتارش را با انتظاراتی که از آن برچسب وجود دارد، هماهنگ کند. به همین دلیل، میان نگرانی و برچسب‌زدن باید مرزی روشن وجود داشته باشد. والدین حق دارند درباره تغییرات رفتاری فرزندشان سوال کنند و در صورت مشاهده نشانه‌های واقعی آسیب، از متخصص کمک بگیرند؛ اما بهتر است به جای پرسش‌هایی مانند «شیطان پرست شده‌ای؟»، از تجربه خود نوجوان بپرسند: «این ظاهر برای تو چه معنایی دارد؟» یا «از وقتی این سبک را انتخاب کرده‌ای، چه احساسی داری؟» این تغییر کوچک در زبان، می‌تواند ظاهر را از میدان جنگ به موضوع گفت‌وگو تبدیل کند؛ گفت‌وگویی که به والدین کمک می‌کند میان یک تجربه موقت، تلاش برای دیده شدن و نشانه‌های واقعی بحران تفاوت بگذارند. مسئله، حذف فوری ظاهر نوجوان نیست؛ مسئله این است که خانواده بفهمد پشت این ظاهر چه می‌گذرد و آیا این انتخاب، فقط بخشی از تجربه هویتی اوست یا با تغییرات عمیق‌تر و نگران‌کننده‌تری همراه شده است.